

۱۱ تیر

(شهادت عالم مجاهد آیت الله «محمد صدوقی» چهارمین شهید محراب)

آیت الله محمد صدوقی در سال ۱۲۷۸ ش برابر با ۱۳۲۷ قمری در یزد دیده به جهان گشود. خانواده شهید صدوقی از نواده های مرحوم شیخ صدوق می باشند و پدر او یکی از روحانیون معروف یزد بود. آیت الله صدوقی مقداری از تحصیلات خود را در یزد و اصفهان گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به قم مهاجرت کرد. او به مدت ۲۱ سال در قم به فراگیری علوم اسلامی پرداخت و از محضر عالمان نامداری همچون شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید صدرالدین صدر، سید محمد تقی خوانساری، سید محمد حجت کوه کمره ای و حضرت امام خمینی (ره) بهره برد. پس از درگذشت آیت الله شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس و مدیر حوزه علمیه قم) اداره قسمتی از حوزه علمیه به شهید صدوقی واگذار شد در سال ۱۳۳۰ و فوت عالم بزرگ دینی یزد، با درخواست مردم و توصیه حضرت امام و بزرگان به آیت الله صدوقی، ایشان به یزد بازگشت و به انجام وظایف دینی و انقلابی پرداخت. این عالم ربانی از آغاز مبارزات حضرت امام خمینی (ره) چه پیش از قیام ۱۵ خرداد و چه پس از آن، همواره از یاران و مروجان افکار متعالی حضرت امام محسوب می شد. ایشان پس از بازگشت به یزد به عنوان امام جمعه آن شهر منصوب شدند و سرانجام در سال ۱۳۶۱ یکی از عوامل گروهک تروریستی مجاهدین خلق به شهادت رسید.



۲۱ تیر

(قیام خونین مسجد گوهرشاد مشهد علیه کشف حجاب)

پس از آن که زمزمه شوم و نقشه ننگین رضاخان جهت به تاراج دادن ارزش های دینی در قالب کشف حجاب به گوش مردم رسید، اعتراضات سراسری، کشور را فراگرفت. در این میان یکی از علمای مشهد در شورای مجتهدان شهر، به عنوان نماینده معرفی شد تا با رضاخان مذاکره ولی به محض رسیدن به تهران به دستور رضاخان بازداشت و در ری ممنوع الملاقات شد. مردم که در مسجد گوهرشاد مشهد به این امر اعتراض داشتند، با سخنرانی وعاظ، شوری چند برابر یافته و خواهان مراجعت آن عالم شدند. در ادامه اعتراضات، در روز شنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴، در مسجد گوهرشاد، شعارهای ضدسلطنت و ضدحجاب زدایی داده شد و مسجد، یکپارچه سرود مقاومت سر می داد. قوای دولتی که مقاومت مردم را دیدند به دستور رضاخان به اجتماع آنان یورش برده و در کشتاری خونین و وحشیانه بین ۲ تا ۵ هزار نفر را در مسجد گوهرشاد کشتند.

۶ تیر

(سوء قصد به جان حضرت آیت الله خامنه ای (دام برکاته) امام جمعه تهران در مسجد ابوذر)

بعد از تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران، توطئه های استکبار جهانی علیه حکومت نوپای اسلامی شکل گرفت و با تجهیز و تقویت گروهک ها و جریانات ضدانقلاب، درصدد نابودی نظام اسلامی برآمدند. در همین راستا، عوامل ضدانقلاب که تا چندی قبل، با حيله و تزوير، خود را انقلابی معرفی می کردند، نقاب از چهره برداشتند و با سوء استفاده از موقعیت به وجود آمده، به سلب آسایش و امنیت مردم اقدام کردند. یکی از این گروه ها، سازمان منافقین (مجاهدین خلق) بود که با ترور شخصیت های اسلامی و انقلابی، سعی داشت به اهداف پلید خود دست یابد. مقام معظم رهبری که در آن زمان، نماینده امام خمینی (ره) در شورای عالی دفاع و نیز امام جمعه تهران بودند، با روشنگری های خود، مردم را نسبت به ماهیت پلید این گروهک ها آشنا و نظرات آنان را در سخنرانی ها مطرح می ساختند. همین روشنگری های رهبر معظم انقلاب، موجب شد گروهک منافقین از میان بردن معظم له را در برنامه کار خود قرار دهد و در ششم تیرماه ۱۳۶۰، حضرت آیت الله خامنه ای که به منظور ایراد سخنرانی در مسجد ابوذر واقع در میدان ابوذر در شرق تهران حضور داشتند، در حین پاسخگویی به پرسش های حاضرین، بر اثر انفجار بمبی که توسط منافقین در یک دستگاه ضبط صوت کار گذاشته بود، از ناحیه کتف، گردن و دست به شدت مجروح شده و به بیمارستان منتقل گردیدند.



۱۷ شعبان

«رحلت فقیه بزرگوار آیت الله» «شیخ حسنعلی اصفهانی» معروف به «نخودکے»

آیت الله شیخ حسنعلی اصفهانی معروف به نخودکی فرزند ملاعلی اکبر در نیمه ذی القعدة سال ۱۲۷۹ قمری در اصفهان دیده به جهان گشوده و از کودکی تلاش و جدیت وافر در تزکیه نفس، تهجد و عبادت داشت. وی با مراقبت حاج محمدصادق تخت فولادی تحصیلات مقدماتی را در اصفهان فراگرفت. سپس از محضر آخوند ملا محمد کاشی، جهانگیرخان و حاج سید سینا بهره‌ها برد. سپس به نجف اشرف عزیمت نمود و از محضر بزرگانی چون سید محمد فشارکی، سیدمرتضی کشمیری و ملا اسماعیل قرمباغی تلمذ نمود. آیت الله نخودکی اصفهانی پس از مراجعت از نجف اشرف در مشهد مقدس اقامت گزید و از حضور فرزندان این دیار نیز بهره‌مند شد. او علاوه بر تدریس و تحقیق و عبادت بسیار، به مستمندان و نیازمندان توجه ویژه‌ای داشت. آیت الله نخودکی سرانجام در ۱۷ شعبان ۱۳۶۱ قمری به دیار حق شتافت و در جنب ایوان عباسی (مقابل صحن ایوان طلا) در حرم حضرت رضا (ع) به خاک سپرده شد.

۱۰ رمضان

(وفات حضرت خدیجه (ع) همسر باوفای پیامبر اسلام (ص))

حضرت خدیجه کبری (ع) که از زنان نامدار و ثروتمند قریش بود، پانزده سال قبل از بعثت با پیامبر اسلام (ص) ازدواج کرد. این بانوی بزرگوار اولین فردی بود که به رسالت پیامبر ایمان آورد و با تمام توان و ثروت خود به یاری دین اسلام برخاست. وجود حضرت خدیجه برای پیامبر اسلام به قدری اهمیت داشت که پیامبر اکرم (ص) رحلت این بانوی بزرگ را مصیبتی عظیم خواند و سال رحلت حضرت خدیجه و حامی بزرگ دیگر خود یعنی حضرت ابوطالب را «عام الحزن» یعنی سال اندوه نامید، زیرا ابوطالب عموی پیامبر نیز در همان سال وفات یافته بود. پیامبر اکرم (ص) سال‌ها پس از رحلت آن بانوی بزرگوار، از ایشان به خوبی و نیکی یاد می‌کرد و او را ستایش می‌نمود. آن حضرت در جواب کسی که به پیغمبر گفت: خداوند بهتر از خدیجه را به تو عوض داده است، فرمود: «سوگند به خدا که خداوند مرا بهتر از او عوض نداده است. او به من ایمان آورد، هنگامی که مردم کفر ورزیدند و مرا تصدیق کرد، آنگاه که مردم مرا تکذیب کردند و با مال خود مرا یاری نمود. آنگاه که مردم مرا محروم ساختند و پروردگار، مرا تنها از میان زنان از او به ولادت فرزند روزی داد.» ام‌المومنین خدیجه (ع) به هنگام وفات ۶۵ سال داشت.

۲۵ تیر

جلسه مهم سران نظام درباره

تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت جنگ

در ماه‌های آخر جنگ تحمیلی، حمایت‌های جهانی از عراق به اوج رسید و آمریکایی‌ها عملاً و بطور مستقیم وارد صحنه شدند. در این حال، علاوه بر آن که سیل کمک‌های مالی و تسلیحاتی از جانب فرانسه، روسیه، کویت، عربستان و دیگر هم‌پیمانان عراق، علیه ایران به کار گرفته می‌شد، صدام نیز به‌طور وسیع مناطق مسکونی و جبهه‌ها را بمباران شیمیایی می‌کرد و مجامع بین‌المللی با سکوت خود این جنایات را تأیید می‌نمودند. حضرت امام خمینی (ع) با اطلاع از همه این امور مطلع شدند و پس از کسب گزارش‌های مختلف، به این نتیجه رسیدند که قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرند. هر چند که این کار به تعبیر امام (ع) به منزله نوشیدن جام زهر بود. در نهایت، در روز ۲۵ تیرماه ۱۳۶۷، جلسه مهمی با حضور سران سه قوه و اعضای مجلس خبرگان، شورای نگهبان و شورای عالی قضایی برای بررسی مسائل مهم کشور در نهاد ریاست جمهوری تشکیل شد. در این جلسه پیشنهادهایی از جمله وساطت الجزایر، سازمان کنفرانس اسلامی و پاکستان مطرح شد که مورد تصویب قرار نگرفت و در نهایت قرار بر این شد که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ رسماً به شخص دبیر کل سازمان ملل و با امضای رئیس جمهور وقت، اعلام شود. سرانجام در ۲۶ تیرماه ۱۳۶۷، نامه ریاست وقت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر پذیرش قطعنامه، توسط نماینده دائم ایران در سازمان ملل به دبیر کل سازمان تسلیم شد و فردای آن روز به‌طور رسمی اعلام گردید.